

تأثیر دیپلماسی زیست‌محیطی بر سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران

نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15601986.1399.27.1.4.6

فاطمه‌السادات معلومی* سعید ساطعی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

چکیده

دیپلماسی زیست‌محیطی از اشکال دیپلماسی نوین و تخصصی با الهام از مفهوم دیپلماسی چندجانبه می‌باشد که به عرصه رقابت دیپلمات‌های متخصص تبدیل شده است. همچنین نمود خود را در مذاکرات، تکوین کنوانسیون‌ها و رژیم‌های حقوقی بین‌المللی و در عرصه سیاست‌گذاری نشان می‌دهد؛ بنابراین وضعیت زیست‌محیطی کشورها و تغییرات آن یکی از مسایل مهم عصر جدید است. اوایل دهه ۱۳۵۰، آغاز تمایل جدی ایران برای ایجاد محیط زیستی سالم بود. لذا برخی اصول در قانون اساسی لحاظ گردید که سبب ترکیب برنامه‌های زیست‌محیطی با برنامه‌های جاری توسعه شد. دولت یازدهم نیز در عرصه بین‌المللی و دیپلماسی محیط زیست دستاوردهای چشمگیری داشت. حال سوال این است که تأثیر دیپلماسی زیست‌محیطی بر سیاست‌های داخلی و بین‌المللی در نظام جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دیپلماسی زیست‌محیطی به واسطه وجود بازیگران متعدد در عرصه نظام بین‌الملل و گره خوردن آن با موضوعات سیاسی، اقتصادی و امنیتی اهمیت بیشتری یافته است. دیپلماسی به عنوان یک ابزار کاربردی و تسهیل‌گر در روابط بین‌الملل مطرح می‌شود که هدف غایی آن صلح است. چالش‌ها و بحران‌های وسیعی سپهر اقلیم ایران را فراگرفته است؛ اما برخی پیشران‌ها می‌تواند آینده زیست‌محیطی کشورمان را در صحنه ملی و بین‌المللی بهبود بخشد. دیپلماسی زیست‌محیطی عرصه مناسبی برای رفع مخاطرات زیست‌محیطی کشورها می‌باشد که با اتخاذ سیاست‌های درست می‌توان به وضعیت محیط‌زیست کشورها سروسامان داد.

واژگان کلیدی: محیط زیست، سیاست خارجی، دیپلماسی زیست‌محیطی، چالش‌های زیست‌محیطی، جمهوری اسلامی ایران.

* mehrak_maloomi@yahoo.com

** دکتری روابط بین‌الملل، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران.

مقدمه

حدود دو دهه قبل، کسی نمی‌توانست پیش‌بینی کند که دنیا چهره قرن بیستمی خود را از دست خواهد داد و نظام بین‌الملل با اشکال نوینی از امنیت، منافع و دیپلماسی مواجه خواهد شد. ظهور موضوعات جدید در سیاست بین‌الملل این مسئله را پدیدار ساخته است که برای فایق آمدن بر بحران‌های محلی و جهانی، متغیر و چندجانبه، نمی‌توان از ابزارهای سنتی سود جست؛ به‌طوری‌که برای حل این بحران‌ها به درجه‌ای از وابستگی متقابل و در عین حال پیچیده نیازمند است. فضای دیپلماسی معاصر به واسطه تحولاتی نظیر تحولات نظام بین‌الملل، ظهور فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی متحول شده و اشکال و ابعاد تازه‌ای یافته است. در این میان فضای شناور نظام بین‌الملل با ظهور بازیگران جدید نظیر گروه‌های غیردولتی، رسانه‌ها و مواجهه با افکار عمومی با دگرگونی در مفاهیمی نظیر حاکمیت و منافع ملی روبه‌رو شده است.

دیپلماسی زیست‌محیطی از اشکال نوین و تخصصی دیپلماسی است که در عین حال که متعهد به تعقیب، توسعه، برآوردن منافع ملی هر کشور می‌باشد؛ امکان همکاری، کنش‌ورزی و سهم‌پذیری تمامی کشورها را در مدیریت مشترک و در قالب سازمان‌های بین‌المللی فراهم می‌کند. می‌توان گفت اغلب همکاری‌های مزبور در راستای حل مشکلات حاد ناشی از تخریب محیط زیست صورت می‌گیرد و این همکاری نمود و بروز خود را در نشست‌های بین‌المللی، انعقاد موافقتنامه‌ها و ایجاد رژیم‌های زیست‌محیطی نشان می‌دهد. در این عرصه یک دیپلمات زیست‌محیطی بایستی ضمن آشنایی با فنون پیچیده دیپلماتیک به موضوعات زیست‌محیطی و سایر اشکال دیپلماسی نیز اشراف داشته باشد.

از این‌رو در ابتدای هزاره سوم، نظام بین‌الملل پیچیده‌تر و متنوع‌تر از هر زمان دیگری است. گردونه جهانی در حالی به گردش خود ادامه می‌دهد که سه عنصر عمده، یعنی پایان جنگ سرد، جهانی شدن و کم‌رنگ شدن نظام وستفالی، منجر به تغییر عمده در بافت نظام بین‌الملل شده است. در این میان بحران‌های زیست‌محیطی از جمله مسایل نوظهوری است که به یکی

از موضوعات عمده در سیاست بین‌الملل تبدیل شده است و چنان اهمیت یافته که در کنار مسایلی همچون، امنیت بین‌الملل بدان پرداخته می‌شود؛ چراکه اذعان به اهمیت روزافزون مسایل زیست‌محیطی و تغییر جایگاه آن از سیاست‌دانی به سیاست عالی از آشکارترین مسایل مربوط به مخاطرات جهانی به‌شمار می‌رود.

به این ترتیب اهمیت پیامدهای ناگوار نابودی محیط زیست، وقوع سیل، خشک‌سالی‌ها، تخریب سرزمین، تهدید امنیت غذایی، منازعات سیاسی و اجتماعی، گسترش فقر و قرار گرفتن آنها در صدر اخبار و رویدادهای جهان منجر به نمایان شدن ابعاد تازه‌ای از این بحران و چاره‌جویی دولت برای حل آن شده است.

اگر مهمترین کار ویژه و وظیفه دیپلماسی را تعقیب، توسعه و برآوردن منافع ملی کشور از راه گردآوری اطلاعات از خود و دیگران برای برقراری ارتباطات بدانیم، در حوزه محیط زیست نیز درک درست از اهداف و منافع ملی، شناخت شرایط جهانی و توانایی در بهره‌گیری از فنون مختلف دیپلماتیک مثل گفتگو و چانه‌زنی، از اقدامات دیپلماسی زیست‌محیطی در محیط بین‌المللی است؛ بنابراین وظیفه اصلی دیپلماسی زیست‌محیطی، تامین منافع ملی هر کشور در کنار تامین منافع مشترک جهانی در حوزه غلبه بر تهدیدات زیست‌محیطی و حفظ منابع طبیعی خواهد بود.

بدین ترتیب دیپلماسی زیست‌محیطی از اشکال دیپلماسی نوین و تخصصی می‌باشد که با الهام از مفهوم دیپلماسی چندجانبه، به عرصه رقابت دیپلمات‌های متخصص تبدیل شده که بروز و نمود خود را در جریان مذاکرات بین‌المللی و نشست‌های جهانی در خصوص مخاطرات زیست‌محیطی نشان می‌دهد. در این عرصه دیپلمات‌های زیست‌محیطی بایستی ضمن آشنایی با فنون پیچیده دیپلماتیک به موضوعات زیست‌محیطی نیز اشراف داشته باشند. بی‌تردید دیپلماسی زیست‌محیطی به‌واسطه وجود بازیگران متعدد و متنوع در عرصه نظام بین‌الملل نظیر گروه‌های غیردولتی، رسانه‌ها و مواجهه با افکار عمومی و نیز گره‌خوردن مسایل زیست‌محیطی با موضوعات سیاسی، اقتصادی و امنیتی اهمیت بیشتری خواهد یافت.

در اینجا باید اشاره داشت که ارتباط بین پیشرفت اقتصادی و محیط زیست همیشه بحث‌برانگیز بوده و هست. بعضی ایجاد مشکل آلودگی جدید و عدم موفقیت در حل مشکل گرم شدن کره زمین و افزایش جمعیت در جهان سوم را دلیلی بر این می‌دانند که انسان‌ها موجودات کوتاه‌بین و درنده‌خویی می‌باشند. البته برخی نیز نگاه متفاوتی دارند؛ آنها متوجه پیشرفت زیادی در آرایه سرویس فاضلاب شهری و همچنین بهبود وضعیت هوا در بیشتر شهرهای بزرگ و پیشرفت اعجاز‌برانگیز در بهبود وضعیت مردم به‌واسطه پیشرفت تکنولوژی شده‌اند. گروه اول تمرکز خود را روی مشکلات محیط زیست موجود که غالباً بسیار جدی است قرار داده‌اند. گروه دوم تمرکز خود را بر تاریخ طولانی و گاه‌ها نامنظم بهبود در استاندارد زندگی گذاشته‌اند.

در ادبیات اقتصادی و برنامه‌ریزی معمولاً توجه کمتری به نقش طبیعت به‌عنوان مخزنی برای مواد ناخواسته، مواد به‌وجود آمده از فعالیت‌های اقتصادی شده است. زمانی که توانمندی محیط زیست جهت جذب یا پخش مواد زاید از حد معمول گذشت، از کیفیت محیط زیست کاسته می‌شود و عکس‌العمل به این کاهش در کیفیت، باعث محدودیت در پیشرفت می‌شود. پیشرفت امکان دارد کم شود؛ زیرا کاهش در کیفیت محیط زیست نیاز به تمیز کردن زیاد دارد که بازدهی سرمایه‌گذاری را کمتر می‌کند و پیشرفت ممکن است محدود شود؛ زمانی که انسان‌ها چنان اکوسیستم را تخریب کنند که قابل درست شدن نباشد و وضعیت جدیدی که کمتر مولد ثروت و پایدار است، مستقر گردد. اخیراً به‌خاطر مضامین تجربی رو به گسترشی که بین درآمد سرانه و آلودگی است، به ارتباط بین پیشرفت و محیط زیست توجه بیشتری شده است. این مضمون،

که به‌عنوان منحنی کوزنتش محیط زیست (EKZ) شناخته شده، بسیار تاثیرگذار بوده است؛ بنابراین تا حدی شرایط فرق کرده است؛ یعنی نگرانی کمتری برای تمام شدن بنزین و منیزیم وجود دارد و دغدغه بیشتری برای کیفیت هوا، گرم شدن کره زمین و انتشار محصولات صنعتی

مطالب اقتصادی زیادی وجود دارد که ارتباط بین پیشرفت و محیط زیست را بررسی می‌کند؛ آنها اساساً تئوری استخراج منابع طبیعی را مطرح می‌کنند. مقدار قابل توجهی از بدنه تئوری در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در خصوص کاهش منابع و رشد، ساخته شده و مقدار زیادی در دهه ۱۹۹۰ در بررسی پیامدهای تئوری رشد درون‌زا مطرح شده است و در دهه اخیر مطالب جدید و رو به افزایشی در خصوص ارتباط بین آلودگی و سطح درآمد ملی ساخته شده است. در حال حاضر کتاب‌های بسیار خوبی در مورد تخلیه مواد قابل بازیافت و غیرقابل بازیافت جهان وجود دارد؛ چندین نشریه مختلف نیز در مورد تئوری رشد درون‌زا در دنیا وجود دارد. این نشان می‌دهد که بشر در مورد تئوری جدیدی در ادبیات اقتصادی و برنامه‌ریزی بحث می‌کند که بین کیفیت محیط زیست و سطح درآمد ارتباط برقرار می‌کند.

در بیشتر قسمت‌ها، ارتباط بین آلودگی صنعتی و رشد بحث می‌شود و نشان می‌دهد که چگونه کارهای جدید به مشارکت‌های اخیر در مورد منابع محدود و پیشرفت ارتباط دارد. از طرف دیگر روشن می‌سازد که اهمیت محیط زیست در ادبیات برنامه‌ریزی و اقتصادی رو به گسترش است.

با این وصف روندهای تصمیم‌گیری حاکی از آن است که در سال ۱۳۳۲ با ملی شدن صنعت نفت، ایران از حق خود برای تعیین قیمت نفت در سطح دنیا استفاده کرد. با افزایش درآمدهای نفت ایران در قبل از انقلاب؛ راه‌اندازی صنایع، همراه با رشد جمعیت، باعث افزایش شهرنشینی، بالا رفتن سطح زندگی و گسترش فناوری‌های نوین شد. توسعه اقتصادی و تخریب محیط زیست، جانشین محیط زیست سالم، وسیع و آرام شد. راه‌اندازی صنایع مختلف و بعضاً بزرگ، باعث شکل‌گیری روند مهاجرت از روستا به شهرها شد. کشاورزی در این راستا از حالت سنتی به کشاورزی بزرگ مقیاس معطوف به بازار، تغییر و تحول یافت.

افزایش قیمت نفت و افزایش دستمزدها و فرصت‌های شغلی باعث شکل‌گیری طبقه متوسط

و اعیان در جامعه شد و به دنبال آن تقاضا برای خودروهای شخصی شدت گرفت. خیابان‌ها در ۹۹

شهرهای بزرگ مملو از خودروها شدند. گازهای ناشی از احتراق ناقص انواع آلاینده‌ها در این خودروها، شهرهای بزرگ کشور را در برگرفت. سنتز مواد پلاستیکی، آلاینده‌های سمی مختلفی را بروز داد که به شکل مواد زاید غیرقابل بازیافت وارد محیط زیست شد. استفاده از کودهای شیمیایی و آفت‌کش‌ها باعث آلودگی آب‌های زیر زمینی و خاک شد. چرای بی‌رویه مراتع، جنگل‌زدایی به دلیل توسعه کشاورزی و مسکن و تامین سوخت نیز باعث آفت محیط زیست شد. در اواخر دهه ۱۳۵۰، عواقب همه این تخریب‌ها ظاهر شد. جنگ تحمیلی و جنگ عراق در سال ۱۳۶۹ نیز، عامل دیگری در بروز معضلات زیست‌محیطی بود. همچنین به دلیل آتش‌سوزی چاه‌های نفت کویت، باران‌های اسیدی در ایران باریدن گرفت و ضربه دیگری بر محیط زیست ایران وارد شد.

از طرف دیگر، قانونگذار در قوانین رسمی کشور به موضوع محیط زیست توجه نمود و در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله و برنامه‌های سالانه، مسایل محیط زیست لحاظ گردید و دولت نیز موظف به اجرای آن شد. در این باره رویکردهای حاکم بر برنامه‌ها در تطابق با مباحث نظری موجود در اقتصاد محیط زیست، موفقیت و عدم موفقیت برنامه‌ها را در ایجاد بستر حفظ محیط زیست نشان می‌دهد.

بنابراین باید اشاره داشت که توجه به مسایل زیست‌محیطی و محیط زیست از زمان‌های بسیار دور مورد توجه بشر بوده است. همین امر باعث توسعه و ایجاد تمدن‌های گوناگونی شده است. در قرون اولیه تاریخ، انسان با کشف ویژگی‌ها و مزایای آب و استفاده از آن به شهرنشینی و رونق کشاورزی و توسعه تمدنی پرداخته است. این توجه تا بدان حد بود که ارسطو، فیلسوف شهیر یونانی می‌گفت: «مردم و محیط آنها از یکدیگر جدایی ناپذیرند و آنها هم از شرایط جغرافیایی و هم از نهادهای سیاسی تاثیر می‌پذیرند؛ مثلاً مجاورت با دریا، فعالیت‌های تجاری را تشویق می‌کند؛ فعالیت‌هایی که اساس دولت شهرها را تشکیل می‌دهد. آب و هوای معتدل نیز به رشد روحیه ملی و نیرو و اندیشه انسانی کمک می‌کند.» در قرون بعدی هم دانشمندان دیگری نیز

توجه خود را به مسایل زیست‌محیطی معطوف کرده بودند؛ به‌عنوان مثال ابن‌خلدون در تحقیقات خود به تأثیرات محیط زیست بر خلق‌وخوی انسان‌ها اشاره کرده بود. همچنین در گذشته‌های دور، فلاسفه و دانشمندان عقیده داشتند که اقلیم و آب و هوای معتدل سبب پرورش مردمان باهوش و با استعداد و پیدایش جوامع پیشرو می‌شود. ارسطو، بقراط و ابن‌خلدون به این نظریه اعتقاد داشتند. بعدها، در سده هجدهم میلادی و پس از آن، استعمارگران دخالت خود را در شرق ناشی از تربیت کردن اقوام و قبایل پست که به‌دلیل آب و هوا همچنان عقب‌نگاه داشته شده بودند؛ توجیه می‌کردند.

فرانسویان دخالت خود را در الجزایر، از ۱۸۳۰ م. تربیت کردن دو قوم عرب و بربر و تنظیم زیست بوم آن منطقه، بر اساس نظریه ابن‌خلدون می‌دانستند. در سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی، الزامات زیست‌محیطی بیشتر مطرح شد؛ اما هنوز مکتب فکری کهن ارسطویی در مورد تقابل میان جامعه انسانی و اکوسیستم وجود داشت. در عصر جدید با وقوع انقلاب صنعتی در غرب و پیشرفت‌های صنعتی موضوع تخریب محیط زیست از یک طرف و همچنین حفاظت از محیط زیست از سوی دیگر در صدر توجهات جوامع بشری قرار گرفته است.

وضعیت زیست‌محیطی کشورها و تغییرات آن یکی از مسایل مهم عصر جدید است. رهبران کشورها و فعالان عرصه محیط زیست می‌کوشند سیاست‌هایی برای بهبود وضعیت زیست‌محیطی سرزمین خود وضع کنند. در ایران و کشورهای خاورمیانه نیز در این زمینه پژوهش‌هایی انجام شده است. بعضی از مشکلات زیست‌محیطی در خاورمیانه در حال بدل شدن به بحران است. خشک‌سالی، گرمای شدید و طوفان ریزگردها زندگی مردم خاورمیانه را تهدید می‌کند. این بحران‌ها می‌تواند در آینده نزدیک، عامل نزاع و درگیری بیشتر در منطقه شود. در ایران، کمبود آب، تخریب جنگل‌ها، آلودگی هوا و تغییرات آب و هوایی از مهمترین مسایل زیست‌محیطی است. درواقع، موضوعات زیست‌محیطی از چند جهت، جهانی و بین‌المللی شده است. بسیاری از مسایل زیست‌محیطی اساساً جهانی و بین‌المللی هستند؛ یا به میراث مشترک جهانی مربوط

می‌شوند. گازهای گلخانه‌ای و تغییرات آب و هوا و یا برخی مسایل محلی یا ملی نیز وجود دارد که به صورت گسترده‌ای در کره زمین تکرار می‌شود (فرسایش خاک، جنگل‌زدایی و بیابان‌زایی) و درنهایت، فرایندهای ایجادکننده اکثر مسایل زیست‌محیطی با فرایندهای گسترده‌تر سیاسی و اقتصادی و اجتماعی که خود بخشی از نظام جهانی هستند، پیوند تنگاتنگ دارند. همین که برخی از مشکلات زیست‌محیطی، نظیر گرم شدن زمین ماهیت جهانی دارند؛ بسیاری از نگاه‌ها را معطوف به این موضوع ساخته که این چالش‌ها به همکاری‌های بین‌المللی نیازمندند و تحقق این همکاری‌ها در جهان پیوسته، آسان‌تر است. از این‌رو مبحث دیپلماسی زیست‌محیطی به وجود آمده است.

بی‌تردید دیپلماسی زیست‌محیطی به واسطه وجود بازیگران متعدد و متنوع در عرصه نظام بین‌الملل نظیر گروه‌های غیردولتی، رسانه‌ها و مواجهه با افکار عمومی و نیز گرهِ خوردن مسایل زیست‌محیطی با موضوعات سیاسی، اقتصادی و امنیتی اهمیت بیشتری خواهد یافت. در اینجا این سوال مطرح می‌شود که: تاثیر دیپلماسی زیست‌محیطی بر سیاست‌های بین‌المللی و داخلی در نظام جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟

پیشینه پژوهش

هر پژوهشی که توسط محقق آغاز می‌شود قطعاً پیشینه مطالعاتی دارد، بدین معنا که حتماً تحقیقاتی که حداقل، به‌طور جزئی یا غیرمستقیم به آن موضوع مرتبط باشد وجود دارد. هر کار تحقیقی در پیوستاری جا می‌گیرد؛ بنابراین از کارهای تحقیقی قبلی اثر پذیرفته و در کارهای بعدی اثر می‌گذارد. پس طبیعی است که محقق با تحقیقات قبلی که درباره موضوع مشابه صورت گرفته است، آشنایی حاصل کند و نسبت به وجود تشابه یا مفارقت کار خود با این تحقیقات آگاهی پیدا کند.

در رابطه با تاثیرات دیپلماسی زیست‌محیطی بر سیاست‌گذاری خارجی و داخلی تاکنون اثر

پژوهشی کامل و مستقلی به رشته تحریر در نیامده است. آثار موجود در این حوزه بیشتر بر توصیف وضعیت موجود و چالش‌های زیست‌محیطی در برخی کشورها تمرکز کرده است. از این‌رو در ذیل به برخی از این آثار اشاره می‌شود:

سبحان طیبی در مقاله‌ای تحت عنوان «دیپلماسی پایدار؛ راهبردی موثر برای درک مذاکرات بین‌المللی زیست‌محیطی» که توسط مرکز تحقیقات استراتژیک در سال ۱۳۹۶ منتشر شده است، آورده است که دیپلماسی به‌عنوان یک ابزار کاربردی و تسهیل‌گر در روابط بین‌الملل است که هدف غایی آن صلح و آرامش است. در همین راستا با اینکه تفاوتی بین حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل محیط زیست قایل هستیم، حقوق بین‌الملل محیط زیست، لازم است که با جهان پیرامونی که داریم در حال تغییر است سازش یابد. این در حالی است که پیوند حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل محیط زیست، ناگسستگی است و یکی از نقاط پیوند، همانا دیپلماسی محیط زیست است. از این‌رو تعاملات بین‌المللی زمینه‌ساز روند بروز و ظهور دیپلماسی در جریان کنفرانس‌های بین‌المللی است.

«بررسی مفهوم امنیت زیست‌محیطی با نگاهی به چالش‌های امنیت زیست‌محیطی ایران» مقاله دیگری است که وحید رنجبر حیدری به رشته تحریر در آورده است که در آن این فرضیه را مطرح کرده است که با نگرش مفهومی و تکثر در ابعاد امنیت، جمهوری اسلامی ایران با تهدیدات گوناگونی روبه‌رو است که در این میان تهدیدات زیست‌محیطی از اولویت و پیچیدگی خاصی برخوردار است. این مقاله در سال ۱۳۹۵ در فصلنامه راهبرد اجتماعی-فرهنگی منتشر شده است. «سیاست‌های زیست‌محیطی در خاورمیانه: کشمکش‌های حقوقی و ارتباطات جهانی» کتابی است که شعبه قطری دانشگاه جرج تاون از نویسندگان خواسته بود تا نظرات خود را در قالب مقاله عرضه کنند. کتاب حاوی یک مقدمه و نه فصل است. در این کتاب با تاریخ زیست بوم منطقه آشنا می‌شویم. اسفندیار جهانگرد نیز در سال ۱۳۹۵، در فصلنامه اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی در مقاله‌ای تحت عنوان «محیط زیست و برنامه‌های توسعه در ایران» به بررسی

برنامه‌های زیست‌محیطی در برنامه‌های توسعه در ایران پرداخته است.

«مبانی و رهیافت‌های نظری دیپلماسی زیست‌محیطی ایران» عنوان مقاله‌ای است که جهانبخش ایزدی در سال ۱۳۹۴ به چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ارایه کرد. در این مقاله با استفاده از روش تبیینی-تحلیلی و گردآوری داده‌های موجود عنوان می‌شود که از یکسو بروز چالش‌های عمده زیست‌محیطی جهانی و از سوی دیگر شناخت ناکافی از فضای حاکم بر نظام بین‌الملل در حوزه مخاطرات زیست‌محیطی و فقدان سمت‌گیری‌های شفاف و طراحی یک دیپلماسی فعال می‌تواند منجر به ظهور تهدیدهای تازه و از دست رفتن فرصت‌ها برای جمهوری اسلامی ایران گردد.

«امنیت زیست‌محیطی و تحول مفهوم امنیت در قرن ۲۱»، مقاله دیگری است که عمران عزیززاده استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، در سال ۱۳۹۰ در نشریه چشم‌انداز جغرافیایی منتشر کرد که در آن ضمن بررسی مفهوم امنیت ملی و امنیت زیست‌محیطی به بررسی تفاوت دیدگاه‌ها نسبت به امنیت زیست‌محیطی در دوران کنونی و دوران نظام دو قطبی در جهان می‌پردازد. نتایج حاصله از این پژوهش نشان‌دهنده آن است که تخریب عوامل زیست‌محیطی نتیجه نیروهای اقتصادی و اجتماعی غیرشخصی است و تهدیدات حاصله از آن به یک دولت دشمن و یا موجودیت سیاسی مستقل مربوط نمی‌شود و راه‌حل‌های مشارکتی می‌طلبد.

در راستای مباحث دیپلماسی زیست‌محیطی جعفر برمکی کتاب «راهنمای مذاکره در موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی» را در سال ۱۳۸۸ ترجمه کرد که توسط دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی منتشر شده است.

دکتر عبدالعلی قوام در مقاله‌ای که در سال ۱۳۸۴ تحت عنوان «سیاست بین‌المللی و رویکرد زیست‌محیطی» در مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۴ منتشر کرد، برای اولین بار در کشور بحث نظریات زیست‌محیطی از جنبه روابط بین‌الملل را مطرح کرد. وی در این مقاله می‌نویسد: «ورود دیدگاه‌های زیست‌محیطی به عرصه روابط بین‌الملل، نه تنها به تضعیف نظریه

روابط بین‌الملل منجر نشده؛ بلکه باعث تقویت آن نیز شده است؛ زیرا طیفی از نظریات مربوط به دولت، تعارض، همکاری، نابرابری، نهادها و حکومت‌مداری را مورد توجه قرار می‌دهد. از بسیاری جهات دیدگاه‌های زیست‌محیطی، رویکردهای گوناگونی را در خود جای داده است. امروزه مسایل زیست‌محیطی، جملگی از موضوعات حاد سیاست بین‌الملل به‌شمار می‌روند که باید در فرایند سیاست‌گذاری‌ها، اولویت‌بندی هدف‌ها و اتخاذ استراتژی‌های گوناگون و در تعامل با ده‌ها سازمان حکومتی و غیرحکومتی، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای و رژیم‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گیرند.»

سلمانی‌پور زنور (۱۳۸۱)، در مقاله‌ای با عنوان «تجارت بین کشورها و آلودگی محیط زیست» در سناریوهای مختلف اثر انواع تجارت را بر آلودگی محیط زیست بررسی می‌کند. در این مقاله، پس از بیان مبانی تئوریک بحث، با استفاده از ۲۵۵۶ داده از ۸۶ کشور دنیا، اثر متغیرهای مستقل گوناگون تجارت بر شاخص محیط زیستی دی‌اکسید گوگرد، با استفاده از یک مدل رگرسیونی خطی تخمین زده شده است. نویسنده با توجه به نتایج، بیان داشته که قوانین زیست‌محیطی تا حدودی به کاهش آلودگی محیط زیست منجر می‌شود. پس کشورها باید تلاش کنند در اقدامی هماهنگ با توجه به پیمان‌های منطقه‌ای و جهانی به وضع قوانین زیست‌محیطی بپردازند و آنها را اجرا کنند تا شاهد آلودگی در جهان و رفع معضلات گوناگون آن باشند.

عالم و همکاران (۲۰۰۷)، به بررسی تاثیر عوامل تعیین‌کننده آلودگی محیط زیست از جمله رشد جمعیت کل، رشد اقتصادی، شدت انرژی و رشد جمعیت شهرنشینی بر آلودگی محیط زیست در پاکستان برای سال‌های (۲۰۰۵-۱۹۷۱) پرداخته‌اند؛ همچنین تاثیر رشد جمعیت شهرنشینی، مصرف انرژی و آلودگی محیط زیست را بر رشد اقتصادی بررسی کرده‌اند. نتایج تخمین مدل به روش یوهانسون جوسیلیوس گویای این است که ضرایب شدت انرژی و انتشار گاز دی‌اکسید کربن در مدلی که رشد اقتصادی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده مثبت است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رشد جمعیت کل و رشد جمعیت شهرنشینی، تاثیر مثبتی

بر آلودگی محیط زیست داشته‌اند؛ اما در بلندمدت همین متغیرها دارای تاثیر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی بوده‌اند.

چارچوب نظری

یکی از موضوعات چندوجهی تحولات در عصر جدید، نگاه دقیق و موشکافانه نظام بین‌المللی و دانش روابط بین‌الملل به مسایل و مشکلات محلی و منطقه‌ای است. در عصر جهانی شدن، منازعات سیاسی، درگیری‌های نظامی، نقض حقوق بشر، پایمال شدن قوانین بین‌المللی در ساختار داخلی دولت‌ها و از همه مهمتر بحران‌های زیست‌محیطی کشورها، مواردی هستند که حساسیت جامعه جهانی را در پی‌خواهد داشت و در اکثر مواقع راهکارهای جهانی برای حل این مشکلات و بحران‌ها ارائه می‌شود. از جنبه مدیریت زیست‌محیطی، امروزه بحران‌های محیط زیستی یک آسیب برگشت‌ناپذیر ناشی از توسعه ناپایدار تلقی می‌شود که به سیاره زمین خسارات جبران‌ناپذیری وارد ساخته و از این‌رو باید در زمره مسایل اساسی جامعه جهانی، مورد بررسی قرار گیرد. اینک، نیاز به مقابله با این وضعیت نابسامان در سطح جهان با تدوین یک استراتژی حفاظتی بلندمدت احساس می‌شود. درگیری‌ها بر سر کمبودهای زیست‌محیطی نشان دهنده ارتباط بین درگیری‌های بین‌المللی و درگیری‌های داخلی است و همین نقطه است که پژوهش‌گران محیط زیست‌گرای روابط بین‌الملل تجزیه و تحلیل خود را روی آن متمرکز کرده‌اند (جکسون، ۱۳۸۵: ۳۲۷).

باید اذعان داشت که ورود دیدگاه‌های زیست‌محیطی به عرصه روابط بین‌الملل، نه تنها به تضعیف نظریه روابط بین‌الملل منجر نگردیده است؛ بلکه باعث تقویت آن نیز شده است؛ زیرا طیفی از نظریات مربوط به دولت، تعارض، همکاری، نابرابری، نهادها و حکومت‌داری را مورد توجه قرار می‌دهد. از این‌رو، محیط زیست نقش فزاینده و مهمی در روابط بین‌الملل ایفا می‌کند و به مناقش‌های تبدیل شده است که استقلال و برتری اجتماعات، دولت‌ها و مناطق را به چالش

می‌طلبد (دیکسون، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

امانوئل کاستلز، در این باره معتقد است که از دهه ۶۰ به بعد اصولاً محیط زیست‌گرایی دیگر صرفاً دلمشغولی تماشای پرندگان، نجات جنگل‌ها و پاکیزه‌سازی هوا نبوده است. اقداماتی علیه دفع زباله‌های سمی، حقوق مصرف‌کنندگان و شماری از مسایل دیگر با دفاع از طبیعت ترکیب شده‌اند، تا ریشه‌های یک جریان جدید را در جهان گسترش دهند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۷۰).

اکنون به اعتقاد پرتز و براون دو پژوهش‌گر عرصه روابط بین‌الملل، محیط زیست به‌عنوان موضوع عمده سوم (بعد از امنیت بین‌الملل و اقتصاد جهانی که دو موضوع عمده در جهان سیاست به‌شمار می‌آیند) مطرح شده است (جکسون، ۱۳۸۵: ۳۲۴). همچنان که پال راجرز نیز درباره تأثیرات تخریب‌های زیست‌محیطی بر این باور است که کنترل گازهای گلخانه‌ای به‌حدی ضروری است که شاید بتوان گفت مهمترین موضوع برنامه امنیتی نیم قرن آینده را تشکیل می‌دهد (راجرز، ۱۳۸۴: ۲۵۵). هرچند که موضوع محیط زیست، جایی بین سیاست داخلی و سیاست بین‌المللی قرار می‌گیرد که آن‌طور که باید توسط رویکردهای سنتی نسبت به روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار نمی‌گیرد (جکسون، ۱۳۸۵: ۳۲۹).

آنچه مسلم می‌نماید این است که محیط زیست، بستر و زمینه نوینی را برای روابط بین‌الملل فراهم کرده و در این رهگذر جریان‌ها، نهضت‌ها و گروه‌هایی پا به این عرصه نهاده‌اند که به مرور زمان و بر اساس تحولات صورت گرفته در عصر جهانی شدن که نظام تک‌بازیگری (دولت-ملت) است؛ ساختار جامعه بین‌المللی را تضعیف نموده و به تعداد بازیگران عرصه بین‌المللی افزوده است. از این‌رو، گفتمان‌ها، روش‌ها و کارویژه‌های متفاوتی از انواع جریان‌های کنش‌گر محیط زیستی بین‌المللی شکل گرفته که برای مطالعات حوزه روابط بین‌الملل و محیط زیست و سایر دانش‌های مرتبط، فضای جدیدی را به‌وجود آورده است (Gonzales. 2011: 85).

با ذکر این نکته باید گفت که مبانی نظری بکار گرفته شده در این پژوهش مبتنی بر نظریه

رنالیستی (واقع‌گرایی) است. واقع‌گرایی به‌عنوان یکی از سنت‌های نظریه روابط بین‌الملل بر ۱۰۷

چهارگزاره متمرکز است:

۱- نظام بین‌الملل آنارشیک است؛ ۲- دولت‌ها مهمترین بازیگران نظام بین‌الملل هستند؛ ۳- تمامی دولت‌ها در نظام بین‌الملل بازیگرانی عقلایی هستند؛ ۴- نگرانی اصلی تمامی دولت‌ها حفظ بقا می‌باشد. در عین حال در این پژوهش دیدگاه‌های دیگری که در حوزه محیط زیست و روابط بین‌الملل در سطح جهانی مطرح می‌باشند نیز مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد.

واقع‌گرایی یکی از نظریه‌های روابط بین‌الملل است که سیاست جهانی را بر اساس رقابت دولت‌ها بر سر منافع ملی خود تعریف می‌کند. واقع‌گرایی، مهمترین و پایدارترین نظریه روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. معمولاً جاذبه این نظریه به دلیل نزدیکی آن با عملکرد سیاستمداران و فهم متعارف از سیاست بین‌الملل دانسته می‌شود. همچنین با وجود اصول و وجوه مشترک در میان نظریه‌پردازان واقع‌گرایی، این مکتب یک کلیت کاملاً یکپارچه نیست. واقع‌گرایی ریشه در تاریخ بشری دارد؛ اما پیدایش رسمی آن به دوره پس از جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد. پیش از جنگ جهانی دوم، اندیشه واقع‌گرایی از سوی ادوارد کار ارایه شد و مورگنتا آن را به صورت الگویی علمی عرضه کرد. واقع‌گرایی ضمن قبول تکثر ماهیت انسانی، خواهان ایجاد حوزه‌ای مستقل برای سیاست است (قوام، ۱۳۸۴: ۶).

در نگرش واقع‌گرایی قدرت زیر بنای سیاست و شکل دهنده روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. جنبه‌های کلیدی جهان‌بینی واقع‌گرایی که ممکن است نقش بوم‌شناسی آن را تا اندازه‌ای روشن کند، عبارت است از: موضوعات هستی‌شناسی، تعارض و تجاوز، جنبه‌های سلسله مراتبی، تاکید بر یکنواختی و همگنی، دیدگاه‌های مادی به سیاست بین‌الملل و سرانجام جنبه‌های معرفت‌شناسی تقلیل‌گرایانه به آن در روابط بین‌الملل.

بعد هستی‌شناسی واقع‌گرایی، از مفروضاتی در مورد ماهیت انسان و سپس نشان دادن آن در مقیاسی وسیع‌تر در چارچوب دولت-ملت نشأت می‌گیرد. بر این اساس، دولت‌ها برای بقای خویش ذاتاً به دنبال قدرتنند؛ آنها بازیگرانی منطقی‌اند. تاکید واقع‌گرایی بر ترس ناشی از تهدیدات

خارجی، امکان دارد توانایی آن را برای ارزیابی و درک تهدیدات از درون و از فرایندهای فراملی، مانند زوال محیط زیست و یا روندهای بلندمدت‌تری، مانند افزایش گرمای کره زمین محدود سازد. به‌طور کلی، ارزیابی واقع‌گرایی، از سوی دیدگاه‌های زیست‌محیطی گوناگون، متفاوت است. چنانچه طبیعت اکیدا به‌صورت یک منبع تلقی شود که باید به‌طور صحیح آن را مدیریت نمود، آنگاه واقع‌گرایی یک چارچوب «هابزی» را برای مدیریت موثر دولت در خصوص هرگونه بحران منابع پیشنهاد می‌کند. واقع‌گرایان بحث قدیمی را پیش خواهند کشید که اصولاً کمیابی باعث تعارض می‌شود و تنها دولت‌های قوی با منافع ملی، قادر به تجهیز مساعی لازم جهت به حداقل رسانیدن مسایل ناشی از کمیابی هستند. به هر حال، باید دید که آیا دنیای واقع‌گرایان از لحاظ مفهومی آنقدر مجهز شده است که سیاره زمین را در بلندمدت حفظ کرده، باعث پیشبرد ایده‌آل‌ها، امنیت و صلحی باشد که برای نظریه واقع‌گرایی به‌طور اخص و نظریه روابط بین‌الملل به‌طور اعم، اساسی است؟ واقع‌گرایان بر تهدیدات فوری امنیت که بر اثر کمیابی در حالت آشوب‌زدگی حاصل می‌شود، تاکید کرده، یادآور می‌شوند که رقبا باید تا آن حد برای جنگ آماده شوند، که بتوانند از آن اجتناب ورزند. تحت این شرایط، آنها مجوز لازم را برای دستگاه نظامی صادر کرده، از شهروندان تقاضای وفاداری و تعهد بی‌چون و چرا دارند (قوام، ۱۳۸۴: ۷).

نظریه‌های زیست‌محیطی

در چارچوب روابط بین‌الملل، بوم‌شناسی به رابطه میان انسان‌ها و محیط فیزیکی و بیولوژیکی آنها اشاره می‌کند. گرچه بحث طبیعت و روابط با آن، از مدت‌ها پیش مطرح بوده است؛ ولی مسایل زیست‌محیطی به‌صورت بخش جدایی‌ناپذیر نقد مدرنیته درآمد که طی آن ضمن هشدار در مورد بروز بحران‌های زیست‌محیطی، به حد و حدود سرمایه‌داری، سوسیالیسم، دولت‌سالاری، دموکراسی مبتنی بر نمایندگی و خود علم می‌پرداخت. لکن در عمل برای مدت طولانی به‌سبب حاکم بودن دیدگاه‌های خاص بر مطالعه سیاست بین‌الملل، در بسیاری از موارد اهمیت چندانی به

بررسی مقولات و مفاهیم سیاست بین‌الملل از زوایای بوم‌شناختی داده نمی‌شد. تا آنجا که هنوز هم امروزه نظریه روابط بین‌الملل به ارزش واقعی اندیشه‌های بوم‌شناختی به‌عنوان یک نظریه سیاسی پی نبرده است. با وجود آنکه بوم‌شناسی و روابط بین‌الملل به‌صورت متناقض به یکدیگر مربوطند؛ ولی بحث‌های نسبتاً اندکی از پوشش‌های سیاسی بین‌الملل در درون اندیشه‌های بوم‌شناختی صورت گرفته و به‌وضوح این مطلب تصریح نشده است که چگونه مسایل زیست‌محیطی می‌تواند دستور کار جهانی را در ارتباط با همکاری‌ها، همگرایی‌ها، وابستگی متقابل، قدرت، هویت، عدالت، نابرابری و جنگ و تعارض دست‌خوش تغییر سازد (قوام، ۱۳۸۴: ۱۰).

نقش محیط زیست در روابط بین‌الملل

محققان و سیاست‌گذاران خصوصاً از دهه ۱۹۶۰م. به بعد مجدداً به‌سوی نظریه‌های زیست‌محیطی^۱ ناظر بر رفتارهای سیاسی روی آورده‌اند. در حال حاضر، در سیاست بین‌الملل، چه در حوزه نظری و چه در عرصه عملی، برای عواملی نظیر جغرافیا، جمعیت‌شناسی، توزیع منابع و توسعه تکنولوژیک اهمیت فزاینده‌ای قایل می‌شوند. بدون توجه به «کلیه عوامل زیست‌محیطی، اعم از انسانی و غیر انسانی و یا ملموس و غیرملموس»، محیط سیاسی بین‌المللی را به‌طور کامل نمی‌توان شناخت. با این همه، این توجه و چرخش به‌سوی تاثیرگذاری عوامل جغرافیایی و عوامل گسترده‌تر زیست‌محیطی روی مسایل سیاسی، چیزی نیست جز ادامه گرایشی قدیمی که به جهان باستان برمی‌گردد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

ارسطو معتقد بود که مردم و محیط آنها از یکدیگر جدایی ناپذیرند و آنها هم از شرایط جغرافیایی و هم از نهادهای سیاسی تاثیر می‌پذیرند؛ مثلاً مجاورت با دریا، فعالیت‌های تجاری را تشویق می‌کرد، فعالیت‌هایی که اساس دولت شهرها را تشکیل می‌داد. آب و هوای معتدل نیز به رشد روحیه ملی و نیرو و اندیشه انسانی کمک می‌کرد.

1. Environmental Theories.

ژان بدن او نیز معتقد بود شرایط اقلیمی بر روحیات ملی و سیاست خارجی کشورها تاثیر می‌گذارد. وی اعتقاد داشت که آب و هوای معتدل، بهترین شرایط را برای ایجاد یک نظام سیاسی مبتنی بر قانون و عدالت مهیا می‌سازد؛ همچنین، مناطق شمال و کوهستانی برای پیدایش انضباط سیاسی از سرزمین‌های جنوبی که مانع از خلاقیت می‌شوند مساعدترند (Tayebi, 2016: 104). منتسکیو او نیز به عوامل اقلیمی متعددی اشاره می‌کرد که به نظر وی در تقسیمات سیاسی اروپای غربی در مقابل دشت‌های وسیع آسیا و اروپای شرقی موثر بوده و به ایجاد روحیه استقلال‌طلبی سیاسی کمک کرده‌اند. به اعتقاد وی، برای جزایر، حفظ آزادی راحت‌تر از کشورهای قاره‌ای است؛ چراکه از فشارهای خارجی به‌دورند.

نظریه‌پردازان جدید را نیز می‌توان به جمع گذشتگان اضافه کرد از جمله:

هنری توماس باکل: این مورخ بریتانیایی معتقد است که آب و هوا، غذا و خاک پیوند نزدیکی با یکدیگر دارند. آب و هوا روی تنوع محصولات کشاورزی تاثیر می‌گذارد و کیفیت مواد غذایی به خاک بستگی دارد. او با توضیحات زیاد به اینجا می‌رسد که در تمدن‌های سرزمین‌های گرمسیر و در نتیجه با پایین بودن دستمزدها، طبقات کارگری وسیع و افسرده‌ای به‌وجود می‌آید که این امر عواقب اجتماعی و اقتصادی خاصی را نیز به همراه دارد. به اعتقاد وی، نابرابری شدید در زمینه توزیع ثروت، قدرت سیاسی و نفوذ اجتماعی، بسیاری از تمدن‌های کهن را به‌سوی «مرحله معینی از تکامل و سپس به‌سوی افول» سوق داده است.

الزورث هانتینگتون: جغرافی‌دان و کاشف آمریکایی (۱۹۴۷م-۱۸۷۶م)، آب و هوا را نه تنها برای سلامتی، فعالیت، سطح تولید مواد غذایی و امکان دسترسی به سایر منابع طبیعی، بلکه برای مهاجرت اقوام و اختلاط نژادها نیز عامل تعیین‌کننده‌ای می‌داند.

او نتیجه می‌گیرد که اکثر تمدن‌های عمده دنیا در سرزمین‌هایی به‌وجود آمده‌اند که میانگین سالانه درجه حرارت آنها تقریباً در مطلوب‌ترین حد برای تولید حداکثر انسان (۷۰- ۶۵ درجه

فارنهایت) بوده است. تمدن‌های بزرگ مناطق استوایی نظیر قوم مایاها در مکزیك و گواتمالا و جاوه‌ای‌ها و سینه‌هالی‌های باستان تنها در فلات‌های معتدل و یا در امتداد سواحل خنکی به‌وجود آمده‌اند که در آنجا درجه حرارت در هیچ‌یک از فصل‌های سال از مطلوب‌ترین حد چندان فراتر نمی‌رفت (دویچ، ۱۳۷۵: ۱۹۳).

تولید و محیط زیست

اگر رشد و توسعه اقتصادی را به‌معنای یک افزایش در ظرفیت اقتصاد برای تولید کالاها و خدمات برای استفاده نهایی مردم تعریف کنیم، چنین رشدی معمولاً با حداکثر کردن جریان مواد و منابع انرژی به‌وسیله رشد جمعیت و مصرف سرانه بیشتر برای هر شخص انجام می‌گیرد. بدین ترتیب، روی دیگر افزایش تولید، افزایش مصرف است؛ چه به‌علت افزایش مصرف سرانه و چه به‌خاطر افزایش جمعیت؛ اما وقتی تولیدی انجام می‌گیرد، نهاده‌های تولید و یا عوامل تولید بکار می‌افتند. نهاده‌های تولیدی را به شکل‌های مختلفی تقسیم‌بندی می‌کنند که عبارتند از نیروی کار، مقدار سرمایه و زمین مورد استفاده. در تحلیل‌های کاربردی گاهی اوقات عامل چهارمی به‌نام انرژی نیز معرفی می‌گردد. این نهاده‌های مولد، یا به شکل متغیر جریان و یا به‌صورت متغیر ذخیره در هر لحظه از زمان اندازه‌گیری می‌شود.

نیروی کار = L

مقدار سرمایه = K

زمین مورد استفاده = D

انرژی = E

متغیر جریان = $E - L$

متغیر ذخیره = $D - k$

$Q = F(L, K, D, E)$

اصل اساسی هر نظریه اقتصادی این است که ما با مسئله کمیابی مواجه هستیم. کمیابی ما را با نهاده دیگری مواجه می‌کند که در فرایند تولید استفاده می‌شود؛ ولی ظاهراً به چشم نمی‌آید. یک بخش از این نهاده‌های نامرئی را می‌توان به هزینه فرصت منسوب کرد. این هزینه فرصت در اقتصاد، به هزینه‌هایی گفته می‌شود که با بکارگیری یک نهاده در یک فرایند تولید، از استفاده آن در فرایندهای دیگر محروم می‌مانیم (پرمن، یوما و گیل، ۱۳۸۲: ۲-۴).

محیط زیست، رشد و توسعه اقتصادی

مباحث مربوط به امکان‌پذیری رشد و تداوم آن به صورت نظری، برای اولین بار توسط «مالتوس» مطرح شد. وی عنوان کرد که با توجه به فزونی روند نرخ رشد جمعیت به نرخ رشد تولیدات کشاورزی، آینده خوبی در انتظار بشر نیست. این موضوع با وقوع انقلاب صنعتی و افزایش کارآیی در تولید محصولات کشاورزی منتفی شد؛ ولی در سال‌های اخیر برخی اقتصاددانان همانند «نورد هاوس» شکل جدیدی از نظریه «مالتوس» را مطرح کردند که با افزایش رشد اقتصادی، مسایلی همچون آلودگی هوا و زمین و گرم شدن کره زمین مطرح شده که اثرات منفی بر رشد اقتصادی دارد (منکیو، ۱۳۹۴: ۷۵).

فعالیت‌های اقتصادی انسان که با هدف رشد اقتصادی صورت گرفته است، ماهیت خطرات و ریسک‌ها را نیز تغییر داده است. در این مورد «آنتونی گیدنز» بحث جالبی را ارائه می‌دهد. آنتونی گیدنز با تمایز ریسک‌های گذشته و حال، دو نوع ریسک را از هم تشخیص می‌دهد: ریسک خارجی و ریسک تولید شده. گیدنز بیان می‌کند که بهترین راه توضیح تمایز بین ریسک خارجی و ریسک تولید شده، نگرستن به رویدادهای جهان فیزیکی در نتیجه تاثیر دانش و فناوری است. چند دهه قبل از شدت یافتن یکپارچگی جهانی، بیشتر ریسک‌هایی که مردم نگران آن بودند ناشی از طبیعت بود؛ مانند بازده ناچیز زراعت، تغییرات آب و هوایی، زلزله، طوفان و بلایای طبیعی. در گذشته تنوع ریسک‌ها ناشی از طبیعت بود (گیدنز، ۱۳۷۹: ۵۵-۵۷).

محیط زیست و سیاست داخلی ایران

موضوع بررسی مسایل زیست محیطی و اثر آن بر رشد اقتصادی بستگی به چگونگی تفکر در مورد حقوق مالکیت معنوی دارد. اگر حقوق مالکیت معنوی برای عوامل محیط زیستی وجود داشته باشد؛ بازار، علایم با ارزشی در مورد استفاده از آنها ارایه می دهد و اگر حقوق مالکیت برای کالاهای محیط زیستی نباشد، استفاده از آنها دارای پیامد خارجی است و توجیه دخالت دولت در این حالت پر قدرت می شود. در این مقاله ما با بررسی موضوع محیط زیست در قوانین اساسی و اسناد برنامه توسعه به دنبال چگونگی برخورد ایران با مسایل محیط زیست هستیم.

از اهداف مهم و اصلی برنامه های عمرانی و توسعه در ایران دستیابی به رشد اقتصادی بوده است. زمانی که برنامه ریز، رشد اقتصادی را مورد ملاحظه قرار می دهد؛ معمولاً آنچه که به ذهن متبادر می شود، منافع بی شمار حاصل از آن است: افزایش امید به زندگی، کاهش مرگ و میر نوزادان، درآمدهای بالاتر، گسترش دامنه کالاها و خدمات در دسترس و مواردی از این دست؛ اما در مورد هزینه های رشد اقتصادی چطور؟ در صدر لیست هزینه های رشد اقتصادی، مسایل زیست محیطی مانند آلودگی، تحلیل منابع طبیعی و یا گرمایش زمین قرار می گیرند. در کشورهای ثروتمند هزینه های رشد اقتصادی در سایه قرار می گیرند. یعنی در مراحل اولیه رشد اقتصادی میزان آلودگی آنها افزایش می یابد.

با این وصف محیط زیست ایران نشان می دهد که قانونگذار در ایران همواره از گزاره منافع رشد اقتصادی نسبت به هزینه های آن بهره برده و در همه برنامه های توسعه و عمرانی، رشد اقتصادی یک هدف عمده بوده است. در این باره همواره نیم نگاهی هم به هزینه های رشد اقتصادی داشته است؛ به گونه ای که قدمت نهادی حفظ محیط زیست در ایران به سال ۱۳۳۵ برمی گردد که در این سال به دلیل تخریب محیط زیست دستگاهی مستقل به نام «کانون شکار ایران»، با هدف حفظ نسل شکار و نظارت بر اجرای مقررات مربوط به آن تشکیل شد (ذکات، ۱۳۷۷: ۴۳). در سال ۱۳۶۳، هیات وزیران در خصوص کنترل آلودگی آب نیز آیین نامه ای را در خصوص

آب‌های سطحی، رودخانه‌ها، آب‌های زیرزمینی، دریاچه‌ها، دریا، سواحل دریای خزر و خلیج فارس گذراند. این مصوبه دولت، مواد زاید انسانی و حیوانی، اجساد حیوانات، انواع خاک، زباله‌های صنعتی و شهری، مواد زاید بیولوژیکی و شیمیایی، فاضلاب و زباله بیمارستان‌ها را به‌عنوان منابع آلوده کننده آب معرفی کرد. بعد از انقلاب نیز مقررات آلودگی هوای مصوب سال‌های (۱۳۵۳-۱۳۵۴) با تغییرات اندکی در سازوکارهای اجرایی و اداره امور کارکنان همچنان پا برجا بود و توضیح جزییات منابع مختلف آلاینده هوا و جرمه متخلفان به قوانین موجود اضافه شد.

قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظام اقتصادی کشور را به صراحت نظامی مبتنی بر برنامه‌ریزی عمومی، منظم و صحیح ترسیم کرده است (اصول ۴۴-۴۳). در قانون اساسی مشروطیت و متمم آن جایگاهی برای محیط زیست دیده نشده است؛ اما در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چهار اصل از اصول قانون اساسی به موضوع چگونگی استفاده از منابع طبیعی و ثروت‌های طبیعی، رعایت عدالت و استفاده بین نسلی محیط زیست تاکید شده که شرح دقیق آنها در اصول ۴۵-۴۸-۵۰ و ۱۵۳ به قرار زیر آمده است و مورد توجه قانونگذار بوده و به عبارتی میثاق ملی در خصوص ارزش‌های محیط زیستی تلقی می‌شود.

اصل ۴۵: انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود؛ در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هریک را قانون معین می‌کند.

اصل ۱۵۳: هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش

و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است.

اصل ۴۸: در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد؛ به‌طوری‌که هر منطقه به فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.

اصل ۵۰: در جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند؛ وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است؛ بنابراین در اصول قانون اساسی کشور دارایی‌های طبیعی، عدم تبعیض در بهره‌برداری منابع طبیعی در اختیار حکومت است و حفاظت از محیط زیست یک وظیفه عمومی است.

محیط زیست در سند چشم‌انداز بیست ساله ۱۴۰۴

جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت: برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تامین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب؛ لذا در سند چشم‌انداز، تصویری که از محیط زیست در آن ارایه شده یک محیط زیست مطلوب است؛ ولی محیط زیست مطلوب تعریف نشده است.

محیط زیست در قوانین برنامه توسعه بعد از انقلاب

قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

قانون برنامه اول مشتمل بر یک ماده واحده، پنجاه‌ودو تبصره، ۱۰۴ حکم، ۱۱ جدول کلان و یک پیوست (اهداف کمی برنامه‌های بخشی) در بهمن ماه ۱۳۶۸ به تصویب مجلس شورای

اسلامی رسید. این برنامه به لحاظ شکلی جامع‌ترین برنامه توسعه ایران از ابتدا تاکنون به‌شمار می‌آمد. لایحه برنامه به‌صورت سند اصلی و دو پیوست مربوط به اهداف و برنامه‌های بخشی و پیوست طرح‌های عمرانی به مجلس ارایه شده بود که سند اصلی و اهداف کمی برنامه‌های بخشی به تصویب رسیدند. بنابراین برنامه اول توسعه تنها برنامه بعد از انقلاب اسلامی است که دارای پیوست برنامه‌های بخشی مصوب است. در این برنامه علی‌رغم تخریب بخش وسیعی از مناطق طبیعی جنوب و غرب کشور و همچنین بهره‌برداری از منابع طبیعی، به دلیل جنگ تحمیلی و استراتژی‌های اتخاذ شده، محیط زیست به جایگاه و اهمیتی که شایسته بود در برنامه اول دست نیافت؛ به‌نحوی که حتی در اهداف و سیاست‌های کلی برنامه اول به مقوله محیط زیست و منابع طبیعی توجه نشده و تنها در خط‌مشی‌های برنامه، آن هم به جهت نیل به دیگر اهداف، تا حدودی و به‌صورت کلی حفاظت محیط زیست مورد توجه قرار گرفت. در طول این برنامه در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل مسایل محیط زیست نیز تا حدودی مشارکت کرد. اهداف زیست محیطی ایران در کنفرانس سران در ریو در سال ۱۳۷۱ نیز توسط ایران پیگیری شده است. ایران در این سال در کنفرانس سران ریو، گزارش ملی محیط زیست در خصوص وضعیت زمین، آب، نیروی انسانی و منابع آلودگی، طرح‌های تهیه شده برای بهبود کیفیت محیط زیست و همکاری با سازمان‌های جهانی حفاظت محیط زیست را ارایه داد که در آن گزارش به جزئیات پروژه‌های آگاه‌سازی عمومی، پژوهشی، کنترل و نظارت بر آلودگی و حفاظت محیط زیست پرداخت (دبیری، ۱۳۸۶: ۸۵).

قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

لایحه این قانون در آذر ماه سال ۱۳۷۲ به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردید. لکن با توجه به اینکه مجلس به فرصت بیشتر برای بررسی لایحه احتیاج داشت؛ عملاً بررسی لایحه برنامه دوم به سال ۱۳۷۳ موکول شد و لایحه مزبور در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۲۰، به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. به‌طورکلی در این قانون، حفظ جنگل‌ها و ممانعت از آلودگی آب و هوا مورد توجه

گرفت و به صورت سه تبصره حفاظت از منابع طبیعی با تاکید بر جنگل‌ها و تضمین بهره‌برداری پایدار از منابع و پیشگیری از آلودگی آب و هوا آورده شد. برنامه دوم توسعه تحت‌تاثیر اهداف زیست‌محیطی ایران در کنفرانس سران درباره زمین در ریو در سال ۱۳۷۱ نیز قرار گرفت. ازجمله دیگر تفاوت‌ها با برنامه اول گنجانیدن اهداف کمی در این برنامه بوده است (ذکاو، ۱۳۷۷: ۴۵).

برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

رویکرد این قانون با قوانین قبلی کمی فرق می‌کرد. لایحه این قانون در تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۷، به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این قانون مشتمل بر ۳ بخش است: بخش اول حوزه‌های فرابخشی، بخش دوم امور بخشی و بخش سوم اجرا و نظارت. این قانون شامل ۱۹۹ ماده، ۵۷ تبصره و در مجموع حدود ۵۴۰ حکم اجرایی است؛ بنابراین می‌توان گفت که در برنامه سوم گرایش به نوعی برنامه‌ریزی راهبردی، به چشم می‌خورد (قنبری و صادقی، ۱۳۸۶: ۴۷۰). جایگاه محیط زیست در برنامه سوم توسعه نسبت به برنامه‌های اول و دوم توسعه از وزن بیشتری برخوردار شده بود و بر ادغام و ملاحظات محیط زیست در فرایندهای برنامه‌ریزی، بیش از پیش تاکید شده و سیاست‌ها که در برنامه‌های قبل بیشتر معطوف به سیاست‌های انفعالی و واکنشی بود، به اتخاذ سیاست‌های فعال و پیشگیرانه معطوف گردید.

قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۸-۱۳۸۴)

این برنامه در قالب سند چشم‌انداز آینده در افق بلندمدت و با سرمشق رشد پایدار اقتصادی مبتنی بر محور دانایی و رویکرد جهانی، به منظور اصلاح ساختارها و فرایندها تهیه و تدوین شد. این برنامه برخلاف برنامه سوم توسعه که اصل ساختار کشور را با رویکرد اصلاح ساختارهای درونی مدنظر قرار داده بود، با رویکرد دانایی محور و تعامل فعال با دنیای خارج برای اصلاح ساختار کشور تدوین شده است. مقارن با تدوین این برنامه توجه به ضرورت‌ها و الزامات ناشی از آرمان‌های قانون اساسی، تحولات بین‌المللی، فضای نوین اقتصاد جهانی، تحولات علمی و فناوری‌های نو به خصوص فناوری اطلاعات و نیازهای توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور در مرحله

کنونی از جمله رشد سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال و در بلندمدت از جمله برپایی اقتصادی توانمند، پویا و بالنده و متکی بر مولفه‌های دانایی با هدف تحقق صادرات انبوه به‌جای صدور مواد اولیه به‌ویژه نفت خام باعث شد تا برخورداری از یک رویکرد منطقی نسبت به تحولات پیش‌رو و ترسیم چشم‌انداز آینده در افق بلندمدت ضروری دانسته شود؛ بنابراین برنامه چهارم توسعه در قالب چشم‌انداز بلندمدت اقتصادی تهیه و تدوین شد (جهانگرد، ۱۳۸۳: ۹۲).

دیپلماسی زیست محیطی ایران

در بین کشورهای در حال توسعه، ایران از جمله کشورهایی است که از دیرباز نقش و جایگاه ویژه‌ای برای حفظ و بهبود محیط زیست قایل بوده است. در این زمینه از اصل پنجاهم قانون اساسی باید نام برد که حفاظت از محیط زیست را یک اصل و یک وظیفه تلقی نموده و اعلام داشته است: «در جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد؛ از این‌رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.» علاوه بر قانون اساسی و برنامه‌های توسعه، در سطح جهانی نیز جمهوری اسلامی ایران به مسئله محیط زیست توجه نموده و تاکنون ۱۸ معاهده بین‌المللی را رسماً پذیرفته است. این معاهدات بین‌المللی که از سوی مجلس شورای اسلامی پذیرفته شده و به تایید شورای نگهبان نیز رسیده است، حکم سایر قوانین را دارا بوده و در نتیجه لازم است تا اصول بین‌المللی مربوط به حمایت از محیط زیست در ایران نیز رعایت شود (صالحی، ۱۳۹۳: ۷۷).

این در حالی است که وضعیت محیط زیست ایران در سال‌های اخیر به دلایل انسانی و طبیعی رو به وخامت گذاشته است و آینده روشنی پیش روی آن وجود ندارد. مروری بر اخبار نشان از چالش‌ها و بحران‌های وسیعی دارد که سپهر اقلیم ایران را فرا گرفته است. در ایران، روند تخریب محیط زیست در طول چند دهه اخیر افزایش بی‌سابقه‌ای یافته، به گونه‌ای در بسیاری از موارد،

جمهوری اسلامی ایران پیشگام دیگر کشورها است. رشد و گسترش اندیشه‌های سوداگرانه و مصرف‌فزاینده مواد و انرژی، فناوری‌های صنعتی، افزایش جمعیت و لزوم توجه به تامین نیازها و خواسته‌های آنها، افزایش سطح رفاه و گاه تشدید فقر و چیرگی انسان بر طبیعت را در پی داشته و تداوم این اوضاع، مقوله محیط زیست را در مفهوم فراگیر آن با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. شدت دامنه آلودگی و تخریب محیط زیست در ایران به‌حدی است که دیگر نمی‌توان بر آن سرپوش نهاد؛ به‌طوری‌که زمینه توسعه با تخریب محیط هم‌زاد شده است (رنجبر حیدری، ۱۳۹۵: ۲۱۱).

در این زمینه با توجه به نتایج پژوهش‌های خارجی در مورد شرایط زیست‌محیطی ایران، به‌ویژه پژوهش‌های بانک جهانی و دانشگاه ییل آمریکا، در خور توجه است. اعلام شاخص جهانی عملکرد زیست محیطی سال ۲۰۱۳، مبین آن بود که ایران بین ۱۳۲ کشور جهان با کسب نمره ۷۳/۴۲ در مقام ۱۱۴ قرار گرفت. این در حالی است که کشور ما در سال ۲۰۰۸ در رتبه ۶۷ جهان و در سال ۲۰۱۰ در رتبه ۷۸ قرار داشت. نکته قابل توجه آن است که هیچ کشوری در بین دو اندازه‌گیری متوالی بیش از ۳۰ پله نزول نکرده؛ اما ایران در اندازه‌گیری اخیر ۳۶ پله نزول کرده است (اصلی‌پور، ۱۳۹۴: ۲۴۸).

باید توجه داشت که این وضعیت، نه ثمره یکسال و دو سال که، نتیجه ناگزیر دهه‌ها غلبه رویکرد کوتاه‌مدت و ناپایدار به امر توسعه است. یکسان انگاشتن رشد و توسعه و تاکید بر ارتقای شاخص‌های رشد اقتصادی به قیمت سوءبرداشت و آلودگی منابع، آسیبی است که جز از طریق تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های حاکم بر ذهن مردم، سیاستگذاران و سیاستمداران ممکن نشده و منجر به کنشی سازگار با سیاست‌های کلی محیط زیست نمی‌شود (اسماعیلی فرد، ۱۳۹۵: ۱۷).

گفتمانی است که طبق گزارش «گری لوییس» هماهنگ کننده مقیم سازمان ملل متحد و نماینده مقیم برنامه توسعه ملل متحد در ایران، پنج چالش کنونی محیط زیست ایران که، امنیت انسانی را به مخاطره می‌اندازد، عبارتند از: اول کم‌آبی، به‌طور کلی آب بزرگترین محدودیت منابع

در ایران و بزرگترین خطر محیط زیست ایران در دراز مدت است. دوم آسیب‌دیدگی و فرسایش خاک که این تهدید از دو منبع بیابان‌زایی و جنگل‌زدایی نشات می‌گیرد. سوم بحران انرژی، چهارم آلودگی هوا که تأثیر آن بر کیفیت زندگی مردم ایران آنی‌ترین، ملموس‌ترین و مشهودترین تهدید است. به‌طوری‌که طبق ارزیابی سازمان جهانی بهداشت شهرهای اهواز، کرمانشاه و سنندج جزء آلوده‌ترین شهرهای جهان و شرایطی بدتر از تهران دارند و بالاخره پنجمین چالش زیست‌محیطی، خسارت از دست رفتن تنوع زیستی است (رنجبر حیدری، ۱۳۹۵: ۲۱۳).

حل مشکلات فوق به‌نوبه خود نیازمند راهکارهایی است که اساساً به اصلاحات ساختاری در اقتصاد منجر شده و پیامدهای منفی مدیریت دولت را در حوزه اقتصاد و محیط زیست حداقل نماید. این سیاست‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که هم‌زمان با کاهش دامنه و سپهر مدیریت دولت در امور تصدی‌گری اقتصاد، جایگاه حاکمیتی و کنترلی دولت را تقویت نماید. در حوزه بین‌الملل نیز در کنار دیپلماسی سیاسی، فعالیت دیپلماسی زیست‌محیطی در جهان و به‌ویژه در منطقه برای ادامه حیات و رعایت حقوق بین‌نسلی لازم است (جهانگرد، ۱۳۹۵: ۱۳۶).

دیپلماسی زیست‌محیطی چنانکه اشاره شد به‌واسطه وجود بازیگران متعدد و متنوع در عرصه نظام بین‌الملل نظیر گروه‌های غیردولتی، رسانه‌ها و مواجهه با افکار عمومی و نیز گره خوردن مسایل زیست‌محیطی با موضوعات سیاسی، اقتصادی و امنیتی اهمیت بیشتری یافته است. بخش اعظم دیپلماسی بین‌المللی مربوط به مسایل زیست‌محیطی حول ایجاد، اجرا و اثر بخشی رژیم‌های بین‌المللی زیست‌محیطی متمرکز شده است. رژیم زیست‌محیطی بین‌المللی یک موافقت‌نامه بین‌المللی است که اصول، هنجارها، قواعد، آیین‌نامه‌های تصمیم‌گیری و برنامه‌های توافق شده‌ای دارد و ناظر بر عمل دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی روابط بین‌الملل است. در مذاکرات موافقت‌نامه‌های چندجانبه زیست‌محیطی، مجموعه‌ای از بازیگران شامل دولت‌ها، ناظران و همچنین موسسات و افراد وجود دارند که دارای نقش‌ها و اختیارات متفاوتی می‌باشند (ایزدی، ۱۳۹۴: ۶).

دولت‌ها به‌طور سنتی بازیگران اصلی موافقتنامه‌های چندجانبه زیست‌محیطی هستند. اهمیت نقش دولت‌ها به‌واسطه دارا بودن قدرت تصویب موافقتنامه‌ها و آنگاه اجرای آنها است. دیگر اینکه تنها دولت‌های متعهد، می‌توانند به دستورکار تهیه شده از سوی نشست‌ها یا دبیرخانه، موضوعی را افزوده یا بکاهند و اینکه تداوم موضوع در دستور کار قرار گیرد. در رابطه با عملکرد دولت‌ها در موافقتنامه‌های چندجانبه زیست‌محیطی چند نکته حایز اهمیت است:

الف) درحالی‌که هر دولت متعهد دارنده یک رای است؛ اما آشکار است که تاثیرگذاری بر ارکان مختلف یک موافقتنامه چندجانبه زیست‌محیطی بستگی به چندین عامل دارد، این عوامل عبارتند از اینکه آیا دیگر متعهدین علاقه قوی به مشارکت با دولت مورد نظر دارند؟ آیا دولت مورد نظر متعلق به بلوکی است که در آن نقش عمده‌ای بازی می‌کند؟ آیا توانایی تامین مالی و فنی را دارد؟ و آیا توانایی هدایتی را که در خلال مذاکرات به منصف ظهور رسانده منجر به تصویب موافقتنامه چندجانبه زیست‌محیطی مورد نظر می‌گردد؟

ب) علاقه یک دولت در خصوص موافقتنامه چندجانبه زیست‌محیطی تا اندازه زیادی بستگی به این امر دارد که فعالیت‌های بین‌المللی صورت گرفته برای آن تا چه اندازه به اهداف و اولویت‌های ملی آن دولت مربوط می‌شود. از دیگر بازیگران مذاکرات می‌توان به ناظران اشاره کرد که شامل طیف گسترده‌ای از بازیگران می‌باشند. دولت‌های غیرمتعهد، کارگزاری‌های تخصصی، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی و نمایندگان گروه‌های بومی از جمله این ناظران محسوب می‌شوند (برمکی، ۱۳۸۸: ۹۹).

رهیافت‌های دیپلماسی زیست‌محیطی ایران

چشم‌انداز محیط زیست ایران چندان تابناک و امیدوار کننده به‌نظر نمی‌رسد. مروری بر اخبار، حاکی از چالش‌ها و بحران‌های وسیعی دارد که سپهر اقلیم ایران را فرا گرفته است؛ اما در مقابل، برخی پایشان‌ها می‌تواند آینده زیست‌محیطی کشورمان را در صحنه ملی و بین‌المللی

بهبود بخشد. قرن‌ها است طبیعت، بستر زندگی نیاکان ما را در فلات ایران فراهم نموده و اکنون چرخ‌های توسعه و پیشرفت برگردن آن نهاده شده است. ظرفیت‌های عظیم منابع طبیعی ایران از خزر تا خلیج فارس هنوز قابلیت بالایی برای شکوفایی داشته و شرایط نوظهور، فرصت‌های تازه‌ای را برای این شکوفایی در اختیار ما و نسل‌های آینده قرار داده است. ۵ عامل تکنولوژی، ارتباطات، قدرت، جهانی شدن و سیاست عالی، رهیافت‌هایی هستند که می‌توانند آینده محیط زیست ایران را تغییر دهند (ایزدی، ۱۳۹۴: ۱۲).

تکنولوژی

درمورد تاثیر مخرب تکنولوژی بر منابع طبیعی زیاد صحبت شده است. نگاه واقع‌بینانه نشان می‌دهد؛ طرح‌های عمرانی و صنعتی طی دهه‌های اخیر و با ورود تکنولوژی علی‌الخصوص در حوزه صنایع سنگین بدون توجه به پایداری زیست‌محیطی بوده است؛ اما این روند در حال معکوس شدن است. توقف شتاب افزایش جمعیت همراه با تحول در ماهیت تکنولوژی، از نشانه‌های این تغییر محسوب می‌شود. فناوری‌های نوین و فناوری‌های سطح بالا قابلیت توسعه پاک را افزایش داده است. زیست فناوریها و تکنولوژی نانو از جمله فناوری‌های نوین در این حوزه محسوب می‌شود. علاوه براین تمایل تدریجی سیاست‌گذاری ملی و محلی برای ترسیم نقشه توسعه با کمترین تبعات زیست‌محیطی از دیگر نشانه‌های امیدوار کننده به‌شمار می‌رود. تکنولوژی‌های جدید باید بتوانند وابستگی توسعه را به منابع طبیعی تجدید شونده کاهش دهند. این موضوع همچنین تاثیر قابل ملاحظه‌ای در تضمین امنیت غذایی برای آیندگان خواهد داشت (Gupta, 2008: 216).

ارتباطات

تحول در ارتباطات مقدمه‌ای برای تحول در حوزه محیط زیست محسوب می‌شود. این ۱۲۳

تحول اکنون رخ داده است. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در ایران طی سال‌های اخیر رشد متحیرانه‌ای داشته است. شبکه‌های اجتماعی از بی‌نظیرترین ابزارهای مشارکتی در این حوزه است و همواره مسایل محیط زیست را بارها در صدر اخبار قرار داده است. شکل‌گیری کمپین‌های اعتراضی در کنار انتشار سریع اخبار تخریب محیط زیست در این شبکه‌ها افزایش یافته است. حالا دیگر رسانه به یک بازیگر مهم در صحنه محیط زیست ایران تبدیل شده که به لحاظ مدیریت افکار عمومی و افزایش سطح توقعات سهم به‌سزایی در جلوگیری از شکل‌گیری تصمیم‌های مخرب در زیست‌بوم‌های ایران خواهد داشت. ارتباطات پس از تکنولوژی دومین رهیافت مهم برای رقم زدن آینده سپهر اقلیم ایران خواهد بود (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

قدرت

مفهوم قدرت در حوزه زیست‌محیطی ایران از دو جهت در حال تغییر است؛ یکی ماهیت و دیگری بازیگران. اجماع‌نظر و برآیند مشترک قدرت سیاسی و اقتصادی همواره محیط زیست را به حاشیه رانده و به عبارتی آن را له کرده؛ اما این وضعیت به تدریج دگرگون شده است. بخش عمده‌ای از قدرت در ایران در ساختار بوروکراتیک دولت متمرکز شده و ماهیت آن نیز دستورات اداری و کاغذبازی است. نکته اینجا است که ماهیت تازه قدرت، تنها سخت‌افزاری نیست و نقش دولت نیز دیگر حداکثری نخواهد بود. روند کوچک‌سازی دولت و برون‌سپاری که لازمه آن گسترش مشارکت‌های مردمی و فعالیت بخش خصوصی است، نقشی تعیین‌کننده خواهد داشت. ظهور بازیگران تازه در کنار یک دولت حداقلی و کوچک شده، رهیافت سوم در بخش محیط زیست و منابع طبیعی است که این امر در اتحاد قدرت سیاسی و اقتصادی یا همان جریان قدرت- ثروت در بخش محیط زیست ایجاد شکاف نموده و یا باعث جابجایی قدرت از دولت به سمت لایه‌های اجتماعی، سندیکاها و تشکل‌های مردمی خواهد شد. بروز نشانه‌هایی از مقاومت توسط تشکل‌های غیردولتی در اجرای طرح‌های بزرگ صنعتی از جمله سدها و یا اعتراض به شکار ۱۲۴

حیات وحش، صحت این دیدگاه را قوت می‌بخشد (Moosavi, 2015: 34).

جهانی‌شدن

سپهر اقلیم ایران زمین جزیره‌ای جدا از فرایندها و بسترهای جهانی نیست. جهانی‌شدن به‌عنوان یک فرایند، همه ابعاد زندگی ما را فراگرفته که محیط زیست یکی از آنها است. برخی از بحران‌های زیست‌محیطی و منابع طبیعی که جنبه فراملی دارد؛ تنها با مشارکت و رویکردهای بین‌المللی قابل رسیدگی است. بحران زیست‌محیطی اساساً مرز سیاسی ندارد و یک پهنه وسیع را در بر می‌گیرد. موضوع دیگر، رعایت سطحی از استانداردهای زیست‌محیطی است که بعضاً به یک مطالبه جهانی تبدیل شده است؛ به‌عنوان مثال گرمایش زمین و تعهد به کاهش گازهای گلخانه‌ای به یک مخاطره امنیتی تبدیل شده و لاجرم سیاست‌های ملی را تحت‌تأثیر قرار داده و حل آن به همکاری دسته جمعی نیازمند است. جهانی‌شدن یک رهیافت مهم دیگر در حوزه محیط‌زیست و منابع طبیعی ایران است که بیش از آنکه برای ما یک تهدید باشد؛ یک فرصت خواهد بود. توسعه روزافزون همکاری‌های بین‌المللی در حوزه منابع طبیعی و محیط زیست ایران بخشی از این فرایند محسوب می‌شود که دیپلماسی زیست‌محیطی در صدر آن قرار دارد (Barnett, 2003: 152).

سیاست عالی

مسئله زیست‌محیطی به یکی از اولویت‌های مهم در تصمیم‌گیری مدیران ارشد سیاسی مبدل می‌شود. آینده به این شکل در حال تغییر است. تزیینی و تشریفاتی عناوینی بود که تا همین اواخر برای موضوعات زیست‌محیطی به کار برده می‌شد؛ اما با توجه به اهمیت موضوع حفظ طبیعت و تامین امنیت زیست‌محیطی از موضوعات رده پایین به مسایل رده بالا تغییر مکان داده است. جایی که تا به حال تنها به موضوعاتی نظیر تروریسم، جنگ و یا حتی اقتصاد

کلان اختصاص داشت. بحران خشک شدن دریاچه ارومیه از مثال‌های خوب در این زمینه است. سیاست‌های سطح بالا یا همان سیاست‌های عالی در مورد این بحران به نخستین تصمیم دولت جدید در شروع کار کابینه مبدل شد و یا در یک مثال دیگر رییس‌جمهور روحانی شخصاً طی یک سفر اختصاصی از وضعیت خشکیدگی جنگل‌های بلوط در غرب کشور بازدید کرد. به نظر می‌رسد این وضعیت به تدریج پایدار شده و سایر تصمیم‌های کلان در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی را تحت تاثیر قرار خواهد داد (حیدری، ۱۳۸۶: ۵۵).

رابطه انسان و محیط زیست از دیدگاه آرمان‌گرایان و واقع‌گرایان

هر دو گروه آرمان‌گرایان و واقع‌گرایان، انسان را در رابطه با محیط زیست مورد بحث قرار داده‌اند و مفهوم «محیط زیست» را به نحوی توسعه داده‌اند که فرهنگ انسانی و ویژگی‌های انسانی زمین را هم در بر می‌گیرد:

آرمان‌گرایان

آنها با الهام از آثار نظریه‌پردازان عصر روشنگری، مدعی هستند که رفتارهای بین‌المللی را با دگرگون ساختن محیط نهادی می‌توان تغییر داد. برای ایجاد سازمان بین‌المللی و حکومت جهانی و همچنین جهت ایجاد قواعدی برای رفتارهای بین‌المللی، طرح‌هایی تهیه شدند تا با تغییر محیط سیاسی بین‌المللی، رفتارهای انسانی را متحول سازند.

واقع‌گرایان

در مقابل، واقع‌گرایان در روابط بین‌الملل عمدتاً معتقد بودند که محل جغرافیایی کشورها اگر نه تعیین‌کننده، دست‌کم محدودکننده رفتارهای سیاسی است. اگر رفتارهای سیاسی واحدهای ملی تا حدود زیادی تابع شرایط زیست‌محیطی آنها و از جمله عوامل جغرافیایی است، پس دولت‌مردان همواره باید در چارچوب عوامل زیست‌محیطی به فعالیت بپردازند (دوئرتی،

محیط زیست و رویکردهای امنیتی در روابط بین‌الملل

چهار رویکرد امنیتی که به‌نوعی به طبیعت نظر دارند را می‌توان استنتاج نمود که عبارتند از:

- کمبودهای زیست‌محیطی می‌توانند به‌مثابه عاملی در ایجاد بی‌ثباتی و نزاع، نقش‌آفرینی نمایند؛
- تلاش برای آماده ساختن خود جهت جنگ و یا پرداختن به جنگ، منجر به فرسایش طبیعت و لطمه دیدن آن می‌شود؛
- آفت طبیعت و آسیب دیدن آن به سلامتی و سطح بهره‌مندی و رفاه انسان، آسیب می‌زند؛
- بهبود وضعیت و جایگاه طبیعت به‌نوعی در تقویت حاکمیت که موضوع اصلی امنیت مطابق رویکرد سنتی می‌باشد موثر است و این امر حکایت از آن دارد که در قالب گفتمان سنتی نیز، طبیعت دارای اهمیت می‌باشد.

رویکردهای چهارگانه بالا هر یک تلقی خاصی از امنیت دارند؛ درحالی‌که رویکردهای اول و چهارم تلقی واقع‌بینانه‌ای از امنیت به‌معنای رهایی دولت از خطر را مدنظر دارند، دو رویکرد دیگر بر بازیگران غیردولتی بیشتر نظر دارند (افتخاری، ۱۳۸۱: ۳۴۵).

نتیجه‌گیری

یکی از مباحث بسیار مهم جهانی، دیپلماسی محیط زیست و تاثیر آن بر تعاملات بین‌المللی و صلح جهانی است. در این راستا دیپلماسی به‌عنوان یک ابزار کاربردی و تسهیل‌گر در روابط بین‌الملل است که هدف نهایی آن صلح و آرامش است. در همین راستا با اینکه تفاوتی بین حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل محیط زیست قایل هستیم، حقوق بین‌الملل محیط زیست لازم است که با جهان پیرامونی که داریم در حال تغییر است سازش یابد. این در حالی است که پیوند حقوق بین‌الملل و حقوق بین‌الملل محیط زیست ناگسستنی است و یکی از نقاط پیوند آن دیپلماسی محیط زیست است. از این‌رو تعاملات بین‌المللی زمینه‌ساز روند بروز و ظهور

دیپلماسی در جریان کنفرانس‌های بین‌المللی است. در این مسیر روند توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز متأثر از فرایند دیپلماسی می‌باشد و بایستی بر این مهم اذعان داشته باشیم که تنها راه برون‌رفت از مخاطرات و نابسامانی‌های زیست‌محیطی، دیپلماسی محیط زیست در پرتو همکاری‌های بین‌المللی است. تعاملات بین‌المللی شمال و جنوب در چارچوب دیپلماسی فعال به‌نوعی درک ژئوپلیتیکی از مذاکرات بین‌المللی محیط زیست محسوب می‌شود.

وضعیت زیست‌محیطی کشورها و تغییرات آن یکی از مسایل مهم عصر جدید است. رهبران کشورها و فعالان عرصه محیط زیست می‌کوشند سیاست‌هایی برای بهبود وضعیت زیست‌محیطی سرزمین خود وضع کنند. در ایران و کشورهای خاورمیانه نیز در این زمینه فعالیت‌هایی صورت گرفته است. بعضی از مشکلات زیست‌محیطی در خاورمیانه در حال بدل شدن به بحران است. خشک‌سالی، گرمای شدید و طوفان ریزگردها زندگی مردم خاورمیانه را تهدید می‌کند. این بحران‌ها می‌توانند در آینده نزدیک، عامل نزاع و درگیری بیشتر در منطقه شوند.

از این‌رو با رشد روزافزون مسایل زیست‌محیطی و گسترش فعالیت‌های مختلف در این عرصه، اختلافات بسیاری در این زمینه بروز کرده است. این اختلافات به‌عنوان یک منبع بالقوه عدم ثبات بین‌المللی و تهدید برای صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود. همواره حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی محیط زیست در پرتو دیپلماسی و تعاملات بین‌المللی نمود داشته است. در این راستا مناسبات کشورها و تقویت روابط بین‌الملل و پایبندی به تعهدات مشترک بین‌المللی و لزوم تبعیت از قواعد دو مبنای بسیار مهم در تبیین نقش دیپلماسی محیط زیست و به‌عنوان رهیافتی موثر در سیاست‌گذاری‌ها محسوب می‌شود. نهضت حفاظت از محیط زیست در مسیر جهانی خود رهیافتی نوین محسوب می‌شود که نیازمند تحقق سازوکارهایی بر محوریت تعاملات بین‌المللی و صلح جهانی بوده و این مسیر همواره در جهت تحقق و ثبات حقیقی بر محیط زیست بوده است. جهان در حال توسعه، مخاطرات فراوانی را به بار می‌آورد و زیست کره را دست‌خوش نابسامانی‌ها می‌سازد؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد در زمان پیش‌رو بایستی بیش از این به فکر محیط زیست جهانی

بود و این مسئله جز دیپلماسی محیط زیست طریق دیگری نمی‌طلبد.

دیپلماسی محیط زیست تأثیر کاملاً مستقیم بر توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست دارد و این تأثیر مستقیم ناشی از حضور بازیگران بین‌المللی در عرصه تصمیم‌سازی‌های بین‌المللی است. در این میان تعاملات بین‌المللی در سایه همگرایی بین‌المللی نقش موثری در این تصمیم‌سازی‌ها دارد و این مسئله نمود بارز تحقق دیپلماسی، در عرصه بین‌الملل محیط زیست است. در این راستا پایداری در دیپلماسی سبز همگام با تعاملات بین‌المللی در نیل به صلح جهانی پایدار مقصود ما است. بنابراین آگاهی بخشی از طریق آموزش و تربیت افراد متخصص در حوزه دیپلماسی می‌تواند راهکاری موثر برای بهبود بخشیدن به همکاری‌های بین‌المللی باشد.

باید اشاره داشت که داده‌های خبری و پژوهشی درباره چگونگی محیط زیست ایران و جهان، گویای تشدید روند بی‌مهری به محیط زیست، از بین رفتن تنوع زیستی و تخریب محیطی در بخش‌های مختلف کشور است که تداوم آن در چند سال آینده، کشور را با چالش‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پرهزینه روبه‌رو خواهد ساخت. به همین دلیل به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت روزافزون تهدیدات زیست‌محیطی، لزوم بازنگری در تعریف دیپلماسی زیست‌محیطی در نزد سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان کشور بیش از گذشته ضرورت یافته است. پرسش اصلی که در این مقاله مطرح شده بود عبارت بود از «تأثیر دیپلماسی زیست‌محیطی بر سیاست‌های بین‌المللی و داخلی در نظام جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟» در این خصوص رهیافتی که دریافت شد بیانگر آن است که دیپلماسی زیست‌محیطی عرصه مناسبی برای رفع مخاطرات زیست‌محیطی کشورها می‌باشد و با بهره‌گرفتن از آن می‌توان به وضعیت محیط زیست کشورها سر و سامان داد. بر همین اساس است که در طول دو دهه اخیر کنفرانس‌ها و نشست‌های متعددی در کشورهای مختلف جهان، جهت سر و سامان بخشیدن به مخاطرات زیست‌محیطی تشکیل و برگزار شده است و به دنبال آن مفهوم تازه‌ای از دیپلماسی به نام دیپلماسی زیست‌محیطی شکل گرفته است. مخاطرات زیست‌محیطی از جمله چالش‌هایی است که در حال حاضر دولت‌ها

پاسخگویی به آن را در دیپلماسی‌های چندجانبه جستجو می‌کنند که می‌توان از آن با عنوان دیپلماسی زیست‌محیطی یاد کرد.

به‌طور دقیق می‌توان گفت که در دهه‌های پایانی قرن بیستم، موضوع محیط زیست به یکی از مهمترین مباحث جهانی تبدیل شده است و طی این مدت حدود ۲۴۰ موافقتنامه مهم زیست‌محیطی بین اعضای جامعه جهانی در سطح بین‌المللی یا منطقه‌ای به امضا رسیده که از این میان، جمهوری اسلامی ایران کمتر از ۳۰ مورد پروتکل جهانی را پذیرفته است. با توجه به ظرفیت بسیار بالای جمهوری اسلامی ایران در زمینه محیط زیست، ضروری است سیاست‌گذاران زمینه لازم برای پذیرش سایر پروتکل‌ها را مورد ارزیابی قرار دهند. در این راستا، نیازمند شناخت و ارزیابی اجتماعی از میزان آگاهی و پذیرش این پروتکل‌ها از سوی جامعه می‌باشیم. بدیهی است این شناخت، در پرتو بررسی علمی صورت می‌پذیرد. در کنار این مورد دولت و بازیگران حوزه محیط زیست باید دیپلمات‌هایی را تربیت کنند که درحوزه دیپلماسی زیست‌محیطی تبحر خاصی کسب نمایند و بتوانند از منافع زیست‌محیطی کشور در چالش‌های منطقه‌ای و جهانی حفاظت نمایند؛ چراکه محیط زیست از ضروریات اولیه هر جامعه محسوب می‌شود و عدم توجه به آن مخاطرات عظیم انسانی و امنیتی را در بر دارد. در نتیجه دیپلماسی زیست‌محیطی عرصه مناسبی برای رفع مخاطرات زیست‌محیطی کشورها می‌باشد و با اتخاذ سیاست‌های درست می‌توان به وضعیت محیط زیست کشورها سروسامان داد.

فهرست منابع:

۱. آشوری، داریوش. (۱۳۸۳)، دانشنامه سیاسی، تهران: مروارید.
۲. اسماعیلی فرد، مریم. (۱۳۹۵)، «سیاست‌های کلی محیط زیست؛ مسیر پیشرو» روزنامه شرق، شماره ۲۷۲۷، شنبه مورخ ۹۵/۸/۲۲.
۳. اسمیت، استیو و جان بیلینس. (۱۳۸۳)، جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین، ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، جلد دوم، تهران: ابرار معاصر.
۴. اصلی‌پور، حسین. (۱۳۹۴)، «راهبرد سیاست‌گذاری زیست‌محیطی کشور در بستر نظریات متعارف تصمیم‌گیری عمومی»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۲، شماره ۸۳.
۵. افتخاری، اصغر. (۱۳۸۱)، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. ایزدی، جهانبخش. (۱۳۹۴)، «مبانی و رهیافت‌های نظری دیپلماسی زیست‌محیطی ایران»، چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۷. بی، ازل. (۱۳۹۰)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
۸. برمکی، جعفر. (۱۳۸۸)، راهنمای مذاکره در موافقتنامه‌های زیست‌محیطی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۹. بوتکین، کلر. (۱۳۸۵)، شناخت محیط زیست، عبدالحسین وهاب‌زاده، مشهد: جهاد دانشگاهی.
۱۰. پرمن، راجر و یوما و جیمز مک‌گیل‌ری. (۱۳۸۲)، اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی، حمید رضا ارباب، تهران: انتشارات آگاه.
۱۱. جکسون، رابرت و گئورگ سورنسون. (۱۳۸۵)، درآمدی بر روابط بین‌الملل، مهدی ذاکریان و همکاران، تهران: میزان.
۱۲. جهانگرد، اسفندیار. (۱۳۹۵)، «محیط زیست و برنامه‌های توسعه در ایران»، فصلنامه اقتصاد محیط‌زیست و منابع طبیعی، سال اول، شماره ۲.
۱۳. حقیقت، سید صادق. (۱۳۸۵)، مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۴. دبیری، فرهاد. (۱۳۸۶)، «جایگاه محیط زیست در قوانین برنامه‌های پس از انقلاب»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۹، شماره ۱.
۱۵. دهقان‌فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۷)، چارچوب مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۶. دهقان‌فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۷)، «مقاله ضرورت‌ها و کارکرد دیپلماسی در سیاست خارجی توسعه‌گرا»، مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۱۷. دویچ، کارل و دیگران. (۱۳۷۵)، نظریه‌های روابط بین‌الملل، وحید بزرگی، جلد اول، تهران: ماجد.
۱۸. دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف. (۱۳۷۶)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، علیرضا طیب و وحید

- بزرگی، جلد اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۹. دیکسون، آنا. (۱۳۸۷)، توسعه و روابط بین‌الملل، حسین پوراحمدی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۰. ذکاوت، سعید. (۱۳۷۷)، «وضعیت محیط زیست در ایران»، زهرا شمس تهرانی، فصلنامه برنامه و بودجه، سال سوم، شماره ۷ و ۸.
۲۱. راجرز، پل. (۱۳۸۴)، زوال کنترل؛ امنیت جهانی در قرن ۲۱، امیرمحمد حاجی‌یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۲. رنجبرحیدری، وحید. (۱۳۹۵)، «بررسی مفهوم امنیت زیست‌محیطی با نگاهی به چالش‌های امنیت زیست‌محیطی ایران»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، شماره ۲۱.
۲۳. سرمدی، محمدرضا. (۱۳۹۴)، «مطالعه نقش آموزش مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات در کاهش چالش‌های زیست‌محیطی (با تاکید بر محیط زیست شهری)»، فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، سال چهارم، شماره دوم.
۲۴. سریع‌القلم، محمود. (۱۳۷۲)، عقل و توسعه یافتگی، تهران: نشر سفیر.
۲۵. صالحی، صادق. (۱۳۹۳)، «تحلیل گفتمان زیست‌محیطی برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲.
۲۶. طلوعی، محمود. (۱۳۷۷)، فرهنگ جامع سیاسی، تهران: علم.
۲۷. قنبری، علی و حسین صادقی. (۱۳۸۶)، تحولات اقتصادی ایران، تهران: انتشارات سمت.
۲۸. قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۴)، «سیاست بین‌المللی و رویکرد زیست‌محیطی»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۴.
۲۹. عالم، عبدالرحمان. (۱۳۷۵)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
۳۰. کاستلز، امانوئل. (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
۳۱. کاظمی، علی‌اصغر. (۱۳۷۲)، روابط بین‌الملل در تئوری و در عمل، تهران: قومس.
۳۲. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۹)، گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی، جهان رها شده، علی‌اصغر شهیدی و یوسف حاجی‌الوهاب، تهران: نشر علم و ادب.
۳۳. لیپست، سیمور مارتین. (۱۳۸۳)، دایره‌المعارف دموکراسی، ترجمه کامران فانی و همکاران، تهران: وزارت امور خارجه.
۳۴. منکیو، گریگوری. (۱۳۹۴)، مبانی اقتصاد، منوچهر عسگری، تهران: نشرنی.
۳۵. وحیدی، موسی‌الرضا. (۱۳۸۶)، «تغییر عرصه سیاست بین‌الملل و دگرگونی ماهیت دیپلماسی»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۲.
۳۶. هادیان، ناصر و افسانه واحدی. (۱۳۸۸)، «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، تهران: سال اول، شماره ۳.

37. Barnett. Jon. (2003), Security and Climate change. Global Environmental Change. Vol: 13, No:16.

38. Gonzales Lindberg, Helena. (2011), neither true nor useful the problem with framing climate change as a Security threat". A thesis of MA Lunds University, 34.
39. Gupta. Sonia. (2008), Environmental Law and Policy: Climate Change as a Threat to International Peace and Security". Wwww. perspectivesonglobalissues. com/0401/ Envirolaw. Pdf, p1. 1.
40. Moosavi.S.F, Poorhashemi.S.A. (2015), Environmental Diplomacy in the Light of International Convergence: an Effective Approach towards International Interaction and Sustainable Peace, Kasmera Journal, No.43 (2). White, Rob. (2008), Crime against Nature, Villan Publishing.
41. Tayebi, S. (2016), Environmental Diplomacy and Its Influence on International Interactions and Global Peace. PhD dissertation, Faculty of Environment and Energy, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran.

انقلاب‌های غیر مسلح و واکنش‌ها به تغییرات سیاسی در خاورمیانه و شمال آفریقا

نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15601986.1399.27.1.5.7

رضا التیامی نیا*

حمید درج*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

چکیده

هدف این نوشتار بررسی و فهم واکنش‌ها به انقلاب‌های غیرمسلح و مسالمت‌آمیز در خاورمیانه و شمال آفریقا است. برای نیل به این هدف، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. تأثیرات سرایتی بیداری اسلامی که ظرف مدت کوتاهی سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا را در بر گرفت، این منطقه ژئواستراتژیک را در معرض تحولات عظیمی قرار داده است که بی شک متضمن استقرار نظامی نوین در آینده خواهد بود. در این راستا کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با هدف حفظ معادلات و نظم سیاسی موجود در خاورمیانه و شمال آفریقا و جلوگیری از تشکیل نظام سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی در این منطقه در جهت به شکست کشاندن و ناکامی انقلاب‌های غیرمسلح در خاورمیانه و شمال آفریقا گام بر می‌دارند. از این رو، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سوال است که با وقوع انقلاب‌های غیرمسلح در خاورمیانه و شمال آفریقا، پاسخ‌ها و واکنش‌ها به این تحولات چگونه بوده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با توجه به اهمیت راهبردی خاورمیانه و شمال آفریقا در سیاست خارجی و امنیتی کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی مخالف نظم نوین به‌خصوص عربستان و آمریکا، این کشورها در اتحادی استراتژیک و با اتخاذ استراتژی مقاومت سعی دارند تحولات سیاسی و امنیتی این منطقه را در راستای منافع و سیاست‌های منطقه‌ای خود مدیریت نمایند و از وقوع تحولات بنیادین و دموکراسی‌خواهانه در ساختار سیاسی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به نفع محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران ممانعت ورزند.

واژگان کلیدی: انقلاب‌های غیرمسلح، خاورمیانه، شمال آفریقا، تغییرات سیاسی، مردم‌سالاری.

*Hamid.dorj@gmail.com

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، ایران

۱۳۵ eltyam81@yahoo.com

** استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج، ایران.